

تندخوئی عامل انفجار

خانواده‌ها!

وجود مشکلات و کشمکشها در زندگی زناشویی تقریباً عمومی است
مهم راه غلبه بر این مشکلات است

نمی‌کشد بلکه دنبال آن يك نوع محبت و سازش
پدید می‌آید و در حقیقت بکوانگنی در زندگی را
که حامل برخی از گرفتاریهای خانواده‌ای است از
بین می‌برد و از این جهت پیدایش تندخوئی‌های
آرام و لطیف بهیچ وجه جای نگرانی نیست !!
ممکن است ما آنچه را که این عسده گفته‌اند
مانند آمیز با شوخی تلفی کنیم ولی در هر حال زندگی
زناشویی را می‌توان از این گونه‌ها به کلی دور
داشت .

دکتر « باغ » روانشناس نامی آمریکا انگیزه
پیدایش نزاعها و تندخوئی‌ها و حتی کتک کاری‌ها را
انگونه توجیه می‌کند: « اگر بر خاش و نزاع (اسلا)
صورت نگیرد ناراحتی‌های دوطرف اباشنه و

روانشناسان عقیده دارند که زندگی زناشویی
اصولاً يك نوع نزاع دوستانه است و اختلاف
حلقه بین آن دو ایجاد می‌کند که با یکدیگر
برخاش و نزاع کنند منتها خداوند حکیم طوری این
دو جنب مخالف را با همدیگر جوش داده و بین
آنها الفت ایجاد کرده است که بر خاش‌ها و تند
خوئی‌ها در برخی از اوقات ثمر بخش واقع شده .
نظام خانواده و اجتماع از این راه برقرار می‌گردد
از اینرو کمتر خانواده‌ای است که در طول زندگی
زناشویی خود دچار بحرانهایی زود گذر نشود غالباً
بگو مگرها و اختلافات جزئی حتی کسی در اکثر
خانواده‌ها بین زناشوهرها امری است طبیعی و
غالباً نه تنها به مراحل خطر و بحران شدید وجدانی

متراکم شده و یکباره بیان کسره آشنائی منجر می شود و البته دیگر در این موقع آشنی دیراست یا بسیار بسیار شود را

یکی دیگر از کارشناسان امور خانوادگی بگوید: عدم موافقت همیشه جدائی پیش نمی آورد بلکه بیش از ناسازگاری ، عدم توانائی هر یک از طرفین در غلبه بر مشکلات موجب جدائی می شود . برای اینکه یک خانواده زندگی سالمی داشته باشد باید چهره زن و شوهر از نظر اخلاقی و روحی رضایت کافی برای همسر خود فراهم کند . البته این بدان معنی نیست که هر یک از طرفین باید تمام آنچه را که طرف دیگر احتیاج دارد نماند کند و یا اینکه یکی ملزم باشد در هر جائی در مورد آنچه طرف دیگر باومی دهد تلافی کند بلکه منظور اینست که نیازهای اساسی هر یک از طرفین باید با اندازه کافی برآورده شود تا هر یک در لحظات خوشی احساس خوشبختی کافی بکند و بدینوسیله آماده تحمل لحظات تلخی در آینده باشند .

مسائل بی اهمیت

اغلب نزاعها و پرخاشها و حتی ... بین زن و شوهرها بر سر یک مطلب یا واقعه بی اهمیت و در حقیقت بر سر هیچ و پوچ آغاز می گردد مثل شورش بودن و یا بی تمک بودن غذا ، نال نکردن کفش از جانب شوهر هنگام ورود به منزل دیر آمدن و یا زود آمدن و غیر آن زبانه هائی که باعث بروز پرخاش می شوند غالباً آنقدر بی اهمیت هستند که طرفین حتی هنگام بیان واقعه برای دوستان و اقوام آنها را

یکی فراموش کرده ، و از عجلانته ، از نظر خجاستن آن خودداری میکند .

با وجود این خانواده ها نباید این نزاعهای مظاهر هیچ را خیلی هم سرسری وسطی بگیرند . تحقیقات و بررسی ها اینکه در این زمینه بعمل آمده نشان می دهد که تمام نزاعهای خانوادگی ابتدا بصورت ناراحتی های محفی است و پس از مدتی با شدت و ضعف ، در اشخاص علنی می شود .

بندای امر ، آدم احساس کسود میکند ، چیزی که مشکل را برتر می کند اینست که هیچ یک از طرفین نمی خواهند با حقیقت آنگونه هست روی رو شوند ، در نتیجه هر روز بر میزان خشم و ناراضائی افزوده می شود و طولی نمی کشد که واقعه ای مظاهر کم اهمیت ، سبب آشکار شدن اختلافهای عمیق محفی میگردد . برای زن و شوهر هائی که در انتظار چنین روزی نبودند این واقعه ، همچون زهد برنی است که در هوای صاف ، ظاهر شود و روی عده ای دیگر این علنی شدن اختلافها ، فرصت خوبی برای پیدا کردن راه برای رفع مشکل است .

گاهی زن و مردی که یکدیگر را دوست دارند بطور ناخود آگاه سعی می کنند هر چه بیشتر با طرف مقابل محبت بگیرند و خود کستر محبت و عطف و تقابل نشان دهند ، این خوی شیر است . زیرا با آنکه از راه ازدواج یک سازش و دوستی قطعی بین این دو موجود با دو ساختار روحی و جسمی مختلف ، پدید می آید اما آن روزهای غریزی مهاجم و پرخاشگر ، در اعماق روح هر دو مانده است و آشنی زیر خاکستر باقی میماند و هر گاه فرصت کند

زبان تند و تیزش را بصورت پرخاش و بساحتی کتک کاری یا ظرف خود آشنا می کند در باطن ممکن است احساسات اشباع نشده ای بصورت عقده های روانی وجود داشته باشد که بسیار خطرناک و مسل آسا بوده بصورت های مختلفی مثل پرخاش ، سرسرس گذاشتن و ایراد گرفتن و انتقاد ظاهر میشود . در این صورت باید در رفع عقده ها و از بین بردن ریشه های خطرناک آن کوشش و جدیت کرد .

در این حال وظیفه زن و یامرد و یاهر دو اینست که با ادب و مصلحت حقیقی نزاعها و پرخاشها را در وجود خود پیدا کنند .

باده ای از اوقات تکمیل یک مشاوره و دلسوزی احتیاج پیدا میشود که در تجزیه و تحلیل برخورد های احساسات و عواطف با آرام و تمایلات و رسیدگی روحی طرفین ، آنها کمک کند و لی باید متذکر شد قسمت عمده این کار باید توسط خود زن و شوهر انجام شود و خودشان باید علت را پیدا کنند و در رفع بحر آن زندگی زناشویی خود اقدام کنند و در مقام سازش با یکدیگر بایند .

سازشهای یکطرفه خطرناک است :

سازش باید دوطرفه باشد نه اینکه همیشه یکی از دو طرف کوتاه بیاید و حتی که یکی از طرفا اگر چیزی را برای مشارکت هر دو پیشنهاد می کنند و طرف دیگر شرکت در این چیز را کاملاً مخالفت میبندد خود میباید او نباید در انجام آن اصرار بورزد . مردها باین نکته مهم توجه کنند دموردی که وظیفه همسرش اطاعت از آنها است نباید با خشونت و یکطرفه و بدون مراعات رأی او انجام بگیرد زیرا

وظیفه تبعیت از شوهر مهاله ای است و طریق وصول به آن ، مسأله دیگر ، یعنی اگر این حق به مرد داده شده است که باید همسرش در مواردی از وی اطاعت کند اما این حق داده نشده است که از طریق خشونت و یا رفتار غیر انسانی و دور از موانع اخلاقی بهر نحوی که مطابق میل او است حق خود برد مثلا واضح است که زن باید در مورد تقاضای مترواح مرد پاسخ مثبت بدهد ولی در عین حال مردها نباید به این نکته توجه کنند . اگر حالت زن و وضع مزاجی او در از خشنگی و مرض دبا بی علائقی خاصی ، آماده بهره دهی نباشد نباید بدون موافقت او اصرار ورزند .

و نیز زنان باید بدانند در موردی که انجام یک تقاضا وظیفه مرد است از قبیل تأمین وسائل راحتی همسر (نفقه) و یا بر آوردن نیازهای دیگر او ، نباید در انجام آن یکدنگی بخرج داده ، در هر حالی باشدت خواستار بهترین نوع باشند حتی در صورتیکه وضع خاص مرد در موقعی اقتضای انجام آنرا بشود رضایت بخش ، ايجاب نکند و دلیل آن نیز واضح است زیرا زن و مرد در عرصه زناشویی با حریت صمیمیت و صداقت بیش از ریاکاری و ترس و خشونت می توانند به موافقت و دوستی برسند و بدترین نوع ازدواج ، ازدواج بر پایه بی تفاوتی و ریاکارانه و تمام باگذشت و فداکاری یک جانبه زن با شوهر است که بالاخره دوام نمی آورد و عاقبت با بحرانها و خطر های جدی مواجه میشود .